

این موضوعات حقیقتی هستند که ما با توجه به توقعی که از لحاظ جغرافیایی و تاریخی از سیرجان داریم، بوده و شاید بهتر بتوان گفت که علی رقم توقعی که مردم سیرجان از حوزه گردشگری داشتند اما هیچ گاه این موضوع به یک نیاز اساسی بدل نشده که تبدیل به یک مطالبه عمومی گردد و از مسئولان امر این موضوع را طلب کنند.

آری ما سیرجانی عادت‌مان شده که دیگر برای گردش به شهر خود نگاه نکنیم و همیشه در فکرمان این باشد که هر گاه فراغتی برای این موضوع برا خودمان یافتیم به شهرهایی که قابلیت گردشگری که ارزش هزینه کردند، دارند برویم و انرژی خود را از آنها کسب می‌کنیم. بی آنکه بدانیم چه مقدار سرمایه هر ساله با این تفکر از جیب ما به جیب شهرهای دیگری مانند یزدی، اصفهانی، شیرازی و غیره می‌رود.

به عقیده بنده، آن هنگام که حریم و حرمت حوزه یک بنا در سیرجان رعایت نمی‌شود دیگر نمیتوان چنان توقعی نه از شهر سیرجان داشت و نه از متولیان آن و نه دیگر از مردان این شهر. آن هنگام که در حریم منطقه تاریخی قلعه سنگ، به سادگی مجوز تاسیس گلخانه می‌دهند و آن هم وطن نیز بی آنکه بداند این حق الناس است که رعایت نمی‌کند و فقط به دنبال منفعت خود در حریم و منظر مهمترین مجموعه تاریخی و باستان شناسی این سرزمین (شهر) تاریخی چهار دیواری ای اختیاری از جنس سنگ دلی و سیمانی بالا می‌آورد، به نظر شما دیگر میشود چنین توقعی از متولیان این شهر داشت؟؟؟؟!!!!

آیا میشود از سازمانی که چنین مجوزی را صادر کرده، تا در حریم و منظر چنان اثر تاریخی و فرهنگی مهمی که خود می‌توانست به واسطه دارا بودن پیشینه و ارزش تاریخی و همچنین در دسترس بودنش و همسوی بودنش با مسیر باغ سنگی و آثار دیگر، به یک هدف گردشگری مانند تپه سلیک در کاشان تبدیل شود، دیگر توقع این را داشت که برای این سرزمین حوزه گردشگری تعریف کند؟؟؟!

آنچه عرض شد این است که اساس و بنیاد حوزه گردشگری، حفظ آثار، حریم و منظر آنهاست اما ما در این شهر به هر بنای تاریخی بارزش و منحصر به فردی که نگاه میکنیم، هیچ اثری از رعایت این موضوعات دیده نمیشود که هیچ، بلکه هر از چند گاهی خبری دردناک از تعرض به حریم این آثار بجا مانده از گذشتگانمان به گوش ما میرسد که داغ را بر دل ما تازه میکند.

این دردی است بزرگ و ضربه ای است سخت بر پیکره نا امید حفظ آثار تاریخی و صنعت گردشگری ای هست که در سیرجان زده شده است. انجا که ما سیرجان را شهر جهانی گلیم معرفی میکنیم، پس باید بستر مناسب را برای به چرخه در آوردن اقتصاد گلیم بافان فراهم کنیم، و این میسر نمیشود جز با آنکه گردشگرانی از شهرهای دیگر به این شهر بیایند و از سر ذوق به عنوان سوقات این هنر گرانباه را بخزند و به شهرهای خود ببرند و مبلغ این هنر نیز بشوند، اما چگونه؟؟!

وقتی که ما پایه گردشگری این شهر را نا امید و هر روز نابودتر

میابیم پس این زنجیره متصل بهم را نیز معیوب میکنیم و این میشود که جز یک نام سنگین و عریض به عنوان شهر جهانی گلیم شیرکی پیچ و بالا بردن سطح توقع جامعه بین المللی از این هنر گرانباه صنایع دستی، چه ارمان دیگری برای بافندگان آنها که مهمترین عنصر باشندگی این هنر هستند، داشته ایم؟؟! بافندگانی که نتیجه یک عمر دسترنج دستان پینه بسته و زخم شده خود را که سینه به سینه از مادر به دختر رسیده و از آن برای لقمه نانی در اتاقت تاریک و تنگی در گوشه خانه و به دور از چشم مهمان میبافند، باید سوده دلان و واسطه گران این هنر شود.

این دردناک ترین قسمت این زنجیره تعرض به یک اثر تاریخی در شهر ماست که اگر کسی، در جایی تعرضی به بنایی تاریخی در این شهر بکند و برای مثال به خود این حق را قائل شود که مجوز گلخانه خود را در حریم و منظر یک منطقه و اثر تاریخی بگیرد و چهاردیواری بتی و سخت سیمانی خود را بر پیکره عظیم تاریخ مردمان این شهر بالا ببرد، حق رنج و دست مایه یک گلیم باف را ضایع میکند.

زنجیره ای نا گسستگی که اگر قسمتی از آن پاره شود، امید خیلی از آدم‌های این سرزمین نیز از هم گسسته میگردد و این می‌شود نتیجه اینکه در سیرجان از همان قدیم‌الیا مطالبه ای برای حوزه گردشگری نبوده و جای خود را به شهر صنعتی و معدنی داده است.

هیچ گاه در شهرهای دیگر چنان نگاه یک سوپه ای به اداره امور شهری دیده نشده و اگر در گوشه ای از شهری، معدنی رشد میکند در ادامه آن و در امتداد آن دیگر ظرفیت آن شهر نیز به ورته فراموشی قدم نمی‌گذارد.

برای نمونه شهری مانند اردکان که نسبت به سیرجان شهر بی نهایت کوچکتر و دارای معادن بزرگی مانند چادرملو است، اما آیا این شهر در حوزه‌های دیگری مانند حفظ آثار میراثی و تاریخی، رشد نکرده است؟!

شاید شده که تا بحال یک شب را در یکی از خانه‌های قدیمی و تاریخی آن که تبدیل به خانه بوم گردی شده است، اقامت کنید تا متوجه شوید که با توجه به معدنی بودن شهرشان چقدر به حوزه‌های دیگر علی‌الخصوص حفظ موارث فرهنگیشان اهمیت داده‌اند که ما از دیدن و اقامت در آن حتی برای یک شب لذت می‌بریم؟!

کوتاه سخن اینکه، اگر ما توقع داشتن یک شهر با جاذبه‌های گردشگری هستیم، اول اینکه باید این موضوع را در خودمان حل کنیم که حفاظت و مرمت و تعرض نکردن به بناهای مهم تاریخی وظیفه تک تک ماست، دوم اینکه اگر این موضوع را به یک مطالبه عمومی تبدیل کنیم هم متولیان امر به این موضوع به صورت جدی تر نگاه میکنند و هم اینکه دیگر کسی به خود اجازه نمیدهد چنین واضح و آشکار باعث تخریب و از بین بردن این آثار شود که نه تنها تبعات مجرمانه بهمراه دارد بلکه سبب تخریب زنجیره هنر و کرامت صنایع دستی در این سرزمین می‌شود.

